

«مارک ژولو»، نماینده حزب جمهوری خواه فرانسه، در پارلمان اروپایی در گفت‌وگو با «شرق»:

فرانسه شبیه قصابان داعشی نیست



نوژن اعتضادالسلطنه

علل ایدئولوژیک و ضدیت با ارزش‌های دموکراتیک اروپایی و تلاش برای یارگیری از میان فرانسوی‌ها را علت اصلی اقدامات تروریستی اخیر داعش می‌داند. «مارک ژولو، نماینده حزب جمهوری‌خواه (اتحاد برای جنبش مردمی) فرانسه است که رهبری‌اش را «نیکلا سارکوزی»، رئیس‌جمهوری پیشین فرانسه، برعهده دارد. او ضمن دفاع تام‌وتمام از سیاست خارجی فرانسه معتقد بود که هدف داعش در انتقاد از سیاست خارجی آن کشور پیداکردن دستاویزی برای توجیه اقدامات تروریستی بوده است. او در گفت‌وگو با «شرق» نظر خود را درباره موضوعاتی چون مسئله پناه‌جویان، چشم‌انداز انتخابات و مسائل مرتبط با سیاست داخلی و خارجی فرانسه بیان کرد.

علت اصلی حملات اخیر در پاریس را چه می‌دانید؟ آیا فکر نمی‌کنید تبعیض اقتصادی و اجتماعی احتمالی علیه مسلمانان در فرانسه دلیل اصلی اقدامات تروریستی اخیر بوده باشد؟

داعش گفته است که این اقدامات در ارتباط با حضور نظامی فرانسه در سوریه است اما این واقعا تنها یک بهانه است چراکه اقدامات تروریستی اخیر آن گروه علیه فرانسه بیش از زمان آغاز حملات جنگنده‌های فرانسوی روی داده‌اند. من فکر نمی‌کنم طرح استدلال تبعیض علیه مسلمانان بتواند توجیه‌کننده فعالیت‌های تروریستی باشد. این تنها یک رزست تبلیغاتی است که از سوی برخی مطرح می‌شود. اکثریت مسلمانان فرانسوی به خوبی در جامعه ادغام شده‌اند. باید به یاد داشته باشید که فرانسه همانند و شبیه قصابان داعش نیست که ادعا می‌کند نماینده اسلام و مسلمانان «واقعی» هستند. این واقعیت ندارد. در نتیجه، من دو عامل را از جمله دلایل اصلی پشت‌سر حملات اخیر می‌دانم. نخست انگیزه‌های ایدئولوژیک است. واقعیت این است که داعش علیه سبک زندگی باز و آزاد غربی، ارزش‌های دموکراتیک و تساهل ابراز ان‌جزا کرده است. داعش با نمادهای فرهنگی فرانسه مشکل دارد. داعشی‌ها در جریان این حملات، تأسیسات اداری یا نظامی را هدف قرار ندادند بلکه هدف اصلی حملات آنان جوانانی بودند که تنها گناهشان شاذزیست و لذت‌بردن از آزادی بود. نکته دوم آنکه اقدام اخیر داعش تاکتیکی بود. آنان برای ما تله‌گذاری کرده‌اند به این معنا که امیدوارند حملات اخیر سبب به‌حاشیه‌راندن‌شدن شهروندان مسلمان فرانسه شود و این موضوع سبب جذب بیشتر آنان به‌سوی آن گروه تروریستی شود. در هفته‌های اخیر شواهد نشان دادند که داعش در این تاکتیک ناموفق بود چراکه تمام شهروندان فرانسوی از مسلمان و غیرمسلمان همبستگی خود را با فرانسه در نفی تروریسم وحشیانه آنان ابراز کردند.

چ‌گرایان فرانسه بر این باورند که سیاست‌های نتوئیرال دولت‌های دست‌راست (به‌خصوص دولت سارکوزی) و تضعیف مدل دولت رفاهی و حمایت اجتماعی عامل مهمی در رشد پدیده دوری مسلمانان فرانسه از جامعه اصلی بوده است؟ نظر شما در این باره چیست؟

بار دیگر تأکید می‌کنم که هیچ‌گونه احساس نفرتی در میان مسلمانان در کل جمعیت فرانسه وجود ندارد. نفرت تنها در میان افراط‌گرایانی وجود دارد که از هر چیزی غیر از آنچه خودشان دوست دارند متفر هستند. نفرت در میان آنان وجود دارد که از هر بهانه‌ای برای توجیه فقدان برابری خود استفاده می‌کنند. درباره شکاف اقتصادی بین طبقات متوسط روبه‌پایین و جمعیت محروم به‌خصوص در حومه شهرها و افراد ناراضی باید گفت که مشکلات آنان به زمانی پیش از ریاست‌جمهوری نیکلا سارکوزی بازمی‌گردد. همان‌گونه که گفتم، ما نباید از مردمی که احساس می‌کنند از سوی جامعه مورد فراموشی قرار گرفته‌اند غافل شویم. چراکه آنان به‌سادگی طعمه افراط‌گرایان می‌شوند. ما باید از آنان حمایت کنیم.

نظرتان درباره غیرمسلمانی‌ه که به داعش می‌پیوندند چیست؟ انگیزه اصلی آنان چیست؟

باید اشاره کنم که داعش غیرمسلمانان را در صفوف خود قبول نمی‌کند. کسانی که وارد آن گروه می‌شوند نخست باید تغییر دین دهند. این جزء موارد بسیار نادر است. درهرحال، آتانی که به عضویت داعش درمی‌آید اغلب دلالی دارند که چندان ارتباطی با اسلام ندارد و حتی نمی‌توان به‌صورت تکتعلی نیز این پدیده را بررسی کرد و علل مختلفی انگیزه اصلی برای پیوستن آنان به این گروه می‌شود. آنان اغلب جذب جاذبه‌های داعش می‌شوند و از تصویر قدرت‌مندی که این گروه از خود ترسیم کرده لذت می‌برند. این موضوع سبب ایجاد اعتمادبه‌نفس در آنان می‌شود. دلیل دیگر به‌نظم شست‌وشوی مغزی صورت‌گرفته از سوی پروپاگاندای گروه‌های افراطی و تبلیغات آت‌هاس.

نژابی شما از افزایش قدرت جبهه ملی فرانسه چیست؟
من فکر نمی‌کنم ظهور جبهه ملی فرانسه را بتوان به‌عنوان یک فرصت قلمداد کرد. شاید تنها طیفی بدبین در میان جریان چپ که ظهور آنان را تنها راه حفظ قدرت قلمداد می‌کند، این رویداد را یک فرصت بداند. جبهه ملی نته‌نها تهدیدی برای جمهوری‌خواهان که برای کل فرانسه است. جبهه ملی توانسته با سوءاستفاده از احساسات مردمی و سوارشدن بر موج ایجادشده پس از حملات تروریستی اخیر، خود را ریش از پیش به‌سخت مطرح کند. به نظر من، فرانسوی‌ها را بلندمدت به اندازه کافی هوشیار هستند که بداندند جبهه ملی هیچ برنامه منسجمی ندارد و هیچ اقدام مثبتی را برای فرانسه انجام نخواهد داد.

آیا فکر نمی‌کنید حزب جمهوری‌خواه در رقابت با جبهه ملی بر شدت شعارهای خود علیه مهاجران افزوده است؟

هیچ موضوع سیاسی‌ای درباره مسلمانان در حزب جمهوری‌خواه وجود ندارد! آنان شهروندان فرانسه هستند مانند سایر شهروندان با حقوق و وظایف برابری که هر شهروند دیگری دارد. ما فقط به شکلی سرسخنانه، از اصل سکولاریسم در فرانسه دفاع می‌کنیم؛ بدین معنا که مذهب یا فقدان مذهب موضوعی خصوصی است و هر فردی آزاد است مناسک و اعمال مذهبی خود را با احترام به دیگران و با پایبندی به اصول جمهوری به‌جا آورد. ما در ارتباط با مهاجران اقتصادی و پناه‌جویان، سیاست هادی داریم؛ ما از پناه‌جویان استقبال می‌کنیم چراکه جزئی از سنت شهروستانه فرانسوی و یک تعهد بین‌المللی است. مهاجران اقتصادی باید در شرایطی پذیرفتنی و رضایت‌بخش در فرانسه اسکان داده شوند. ما خواستار کنترل صحیح مرزها و تقویت این موضوع درباره مرزهای خارجی اتحادیه اروپا هستیم، چراکه تمام کشورهای عضو اتحادیه درحال حاضر با بحران مهاجران مواجه هستند. اگر می‌خواهیم از پناه‌جویان در شرایط خوبی میزبانی کنیم و حیات منطقه «شگتن» تداوم پیدا کند به‌کارستن این معیارها و ضوابط امری ضروری خواهد بود.

تفاوت اصلی رویکرد حزب جمهوری‌خواه با جبهه ملی فرانسه بر سر موضوع پناه‌جویان و سیاست‌گذاری درباره آنان چیست؟
تفاوتی اساسی میان حزب جمهوری‌خواه و جبهه ملی وجود دارد. جمهوری‌خواهان از پذیرش آن دسته از پناه‌جویان سوری که خواستار آمدن به فرانسه هستند حمایت می‌کنند. ما معتقد به لزوم مبارزه علیه قاچاقچانی هستیم که از ناامیدی و بدبختی مردم بی‌سرنیانه سود مالی کسب می‌کنند و آنان را در شرایط خطرناک و غیرانسانی قرار می‌دهند. جبهه ملی در مجموع



پارناوبای بیگانه‌ستیزی و بیگانه‌هراسی خود را حفظ کرده و مخالف هرگونه پذیرش پناه‌جو در داخل خاک فرانسه است.

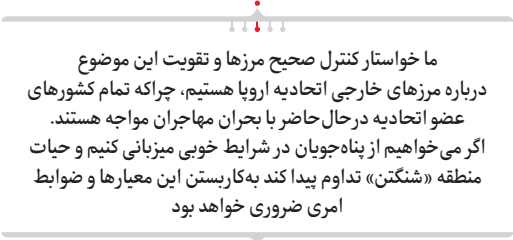
نظر شما درباره این طرح که امامان مساجد فرانسه باید از این پس فقط به زبان فرانسوی وعظ کنند و اعمال ممنوعیت بر کاربرد زبان عربی به‌منظور تشدید تدابیر امنیتی چیست؟

این سؤالی بسیار جزئی است که با مسائل روزمره و واقعی ما در ارتباط است. از نظر مفاد قانون اساسی غیرممکن است بتوانیم این موضوع را تحمیل کنیم که موعظه در مساجد، کینسه یا کلیسا باید به زبان فرانسه باشد، چراکه طبق اصل سکولاریسم و قانون سال ۱۹۰۵ میلادی مبتنی بر جدایی دولت و کلیسا، دولت فرانسه حق چنین کاری را نخواهد داشت. واقعیت آن است که اولویت‌های دیگری وجود دارند که باید به آنها رسیدگی کرد. صرف طرح موضوع تغییر زبان در مراسم وعظ، مشکل واقعی را که رشد رادیکالیسم در فرانسه است، حل نمی‌کند.

نظرتان درباره کمک‌های نظامی فرانسه به عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس چیست؟

دولت‌های حوزه خلیج فارس خود را به مبارزه علیه تروریسم متعهد می‌دانند، همان‌گونه که فرانسه چنین تعهدی دارد. از نظر تاریخی فرانسه روابط دیپلماتیک و نظامی خوبی با آن کشورها دارد، اگرچه به‌طور متناوب مسائلی مرتبط با حقوق بشر یا کمک‌های مالی خصوصی افراد به گروه‌های تروریستی در این کشورها وجود داشته و از سوی دولت فرانسه نیز بیان شده است.

هم‌زمان با نزدیکی جبهه ملی فرانسه به مسکو، شاهد ابراز تمایل آقای سارکوزی به موضع‌گیری‌های «اولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، در قبال تحولات و مسائل مختلف هستیم. آیا باید منتظر چرخش راست میانه فرانسه از نزدیکی به آمریکا به سوی روسیه باشیم؟
من در زمره کسانی هستم که فکر می‌کنم نمی‌توان روسیه را نادیده گرفت. این کشور نقش تأثیرگذاری در حل مسائل عمده ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویکم ایفا می‌کند. باوجود اختلاف نظرهایی که ممکن است بر سر مسائل خاص به‌ویژه در حوزه مسائل حقوق بشری و مسئله اوکراین داشته باشیم، با چالش‌های مشترکی مواجه هستیم. توافق هسته‌ای با ایران یک نمونه بارز از اشتراک منافع روسیه و فرانسه و کشورها اروپایی بود که برای حصول آن به‌طور جدی به مذاکرات ادامه دادند. من بر این باورم که بدون روسیه و ایران



راه حلی برای پایان دادن به بحران سوریه پیدا نخواهیم کرد. فقط از طریق نشست پای میز مذاکره با نمایندگان این دو کشور است که راه‌حل پیدا می‌شود.
باین‌حال، بحث‌ها باید باز باشند و با هدف دستیابی به توافق، این یک موضوع مرتبط با پروگرامتسم (عمل‌گرایی) است. تفاوت اصلی ما با جبهه ملی فرانسه در این موضوع آن است که جبهه ملی فرانسه شیفتگی ناسالمی به خطشی اقتدارگرایانه و ملی‌گرایانه پوتین دارد که از این موضوع برای دفاع از منافع خود در داخل فرانسه بهره می‌برد.

در ژانویه سال ۲۰۱۲ میلادی، آقای سارکوزی گفت «بشار اسد» باید از قدرت کناره‌گیری کند، اما به‌تازگی در چرخشی ۱۸۰ درجه، اظهار کرد که کناره‌گیری او از قدرت نباید پیش‌شرط مذاکرات صلح باشد. آیا ارزیابی اشتباه از وضعیت سوریه او را به این نتیجه رسانده است؟

ما سیاست ثابتی را در قبال بشار اسد داریم؛ او باید از قدرت کناره‌گیری کند. **ما به نظرتان آیا دولت سوسیالیست در حوادث تروریستی اخیر سهمی داشت؟**

دولت سوسیالیست مسئول حملات اخیر پاریس نیست. این امری واضح است. تنها موردی که شاید بتوان به‌دلیل آن سوسیالیست‌ها را به‌ویژه در اروپا سرزنش کرد، کوتاهی آن دولت در اتخاذ برنامه‌هایی برای کمک به مبارزه علیه تروریسم از جمله اجرای صحیح برنامه نیت‌ثام مسافران اتحادیه اروپا با هدف جلوگیری از ورود عناصری است که تهدید بالقوه محسوب می‌شوند. پس از حوادث اخیر، سیستم‌های امنیتی ما به‌خوبی به ایفای نقش پرداختند، همان‌گونه که قابلیت خود را در خنثی‌سازی س‌لول سنت دنیس در روزهای پس از حادثه نشان دادند.

ما برخی منتقدان، حمله نظامی فرانسه علیه لیبی در دوران سارکوزی را عاملی برای رشد بنیادگرایی در منطقه و سرزیرشدن آن در سایر کشورها پس از سقوط قذافی قلمداد می‌کنند؟

داعش در عراق و سوریه متولد شده است، در بستری از فروپاشی دولت عراق و رادیکالیزشدن منازعه میان فرقه‌های آن کشور نه در لیبی. داعش تنها نام جدید و مد روزی در میان تروریست‌های افراطی است؛ همان‌گونه که پیش از آن نام القاعده مطرح بود و برخی از گروه‌های تروریستی در لیبی نیز تبلیغات خود را انجام می‌دهند.

به یاد داشته باشید که فرانسه در لیبی به‌عنوان بخشی از مأموریت‌های بین‌المللی محول‌شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حفاظت از غیرنظامیان که توسط حکومت قذافی جان باختند دست به مداخله نظامی

جهان



زد و این مأموریت را انجام داد. نیاز به حمایت جامعه بین‌المللی از لیبی پس از سقوط قذافی شاید کافی نبوده است. با این حال، وضعیت کنونی در لیبی تنها نتیجه ناتوانی جریانات مختلف لیبیایی از مذاکره و دستیابی به تفاهم به منظور بازگشت به یک دموکراسی حقیقی است.

نظر شما درباره حمله فرانسه علیه مالی در دوران ریاست‌جمهوری پرزیدنتا اولاند چیست؟

کلمات حاوی بار معنایی هستند. فرانسه هرگز به لیبی حمله نکرد. برخلاف آن، ما شاهد آن بودیم که دولت مالی از فرانسه درخواست کمک کرد و ما از مردم محلی حمایت به‌عمل آوردیم تا علیه گروه‌های تروریستی خارجی بچنگند، گروه‌هایی که تهدیدی علیه مالی بودند. این مأموریت با موفقیت از سوی ارتش فرانسه انجام شد و در تلاشی خستگی ناپذیر پیکاری برای نابودی شبکه‌های تروریستی باقی‌مانده در شمال مالی با همکاری نیروی سازمان ملل متحد در مالی (مینوسما) ادامه دارد. ارتباط‌دادن اقدامات داعش به مداخله نظامی در مالی و سایر حملات در پاریس همان پروپاگاندای تبلیغاتی است که رقیب داعشی‌ها یعنی القاعده نیز مطرح می‌کرد. بار دیگر می‌گویم یک گروه ترویستی در راستای استفاده از هر امری برای توجیه اقدامات خود برمی‌آید. تروریست‌ها از این موضوع برای پنهان‌کردن جنایات خود بهره می‌برند.

نظرتان درباره کمک‌های مالی و نظامی دولت فرانسه به ایوزیسیون سوریه چیست؟

به‌نظم اقدامات نظامی فرانسه در سوریه ضروری اما ناکافی بوده‌اند. ما باید از طریق حملات نظامی هوایی، فشار بر داعش را افزایش دهیم تا مسیر برای شکست‌دادن آن گروه از طریق مسیر زمینی و با حمایت از نیروهای محلی فراهم شود. کمک‌رسانی به نیروهای میانه‌رو مخالف دولت اسد رویکرد مناسبی بوده است اما کافی نیست. باین‌حال، برای شکست‌دادن واقعی داعش و به‌پایان‌رسیدن جنگ داخلی در سوریه نیاز است رویکرد نظامی همراه با یک راه‌حل سیاسی باشد که در آن بازیگران بین‌المللی، منطقه‌ای و بومی حضور داشته باشند.

ما به‌تازگی آقای سارکوزی از چند فرهنگ‌گرایی در غرب انتقاد و اظهار کرد این موضوع یکی از عوامل تشدید بنیادگرایی بوده است. او گفت فرانسه سوسیومارکت نیست. آیا فکر نمی‌کنید در حال مشاهده تغییر نگرش از سوی راست میانه به سوی راست افراطی هستیم؟ علت اصلی انتقاد او از چندفرهنگ‌گرایی چیست؟

فرانسه و راست‌گرایان آن به‌طور تاریخی از مدل ادغام حمایت کرده‌اند که ریشه در فرهنگ کشور ما دارد. یک عنصر اساسی است که به‌عنوان «زندگی با یکدیگر» شناخته می‌شود که مبتنی بر تمایل مردم به یک سرنوشت مشترک مبتنی بر عناصر مشترکی از جمله زبان و ارزش‌های مشترک است. این رویکرد باز است و به هرکسی اجازه می‌دهد بدون توجه به مبدأ زبانی، قومیتی یا مذهبی‌اش در این فرهنگ ادغام شود. با این‌حال، جذب و ادغام یکناوخت نیست و هر جامعه‌ای معیارهایی برای آن دارد. گمان نمی‌کنم چندفرهنگ‌گرایی در کشورهای انگلوساکسون بهتر از رویکرد مدل فرانسوی باشد چراکه آن رویکرد سبب می‌شود جمعیت‌های گتوماندی رشد کنند که در آن اعضای یک جمعیت تنها با خود در ارتباط هستند و درکی از این جامعه ندارند. من آن مدل را نامطلوب می‌دانم. «دیوید کامرون» نخست‌وزیر بریتانیا، خود اذعان کرده بود مدل چندفرهنگ‌گرایی بریتانیایی شکست خورده است. من فکر می‌کنم هرکسی که برای زندگی به فرانسه می‌آید باید پیش از آن خوب فکر کند. چراکه پذیرش زندگی در فرانسه اقتضا می‌کند تمامی شهروندان ارزش‌های جامعه را به‌رسمیت بشناسند و برای پذیرش در کنار یکدیگر باید هویت فرانسوی را بپذیرند که این نیز به معنای لزوم رهاکردن هویت اصلی مهاجران نیست. برتقالی‌ها، لهستانی‌ها، ترک‌ها و جوامع دیگر در فرانسه حضور دارند و هویت اصلی آنان نیز بخشی از هویت کنونی‌شان است.

ما توجه به رویدادهای اخیر آیا فکر می‌کنید ایده اسلام فرانسوی شکست خورده است؟

همانند جمعیت مسلمانان باید بداندید اسلام فرانسوی نیز یکپارچه نیست. اسلام فرانسوی با توجه به کشورهای مبدأ مهاجران قالب مراکشی، الجزایری و غیره تقسیم شده است. اگر تفاوت مکتب‌های اسلامی را نیز به این موضوع بیفزاییم، گستره تنوع آن مشخص‌تر خواهد شد. به گمانم یک خطای اساسی مسلمانان در فرانسه در طول تاریخ آن بوده که یک رویکرد واحد و مشترک را ایجاد نکردند و به میزان کافی به طرد جریانات افراطی که مدعی برداشت صحیح از اسلام هستند نپرداخته‌اند. به همین خاطر است که من از هرگونه ابتکار عملی برای ارتقای وضعیت نمایندگان مسلمانان گفت‌وگو با آنان حمایت نمی‌کنم. برتقالی‌ها، لهستانی‌ها و شفافیت مذهبی درباره اسلام در فرانسه یک مشکل است چراکه به دلایل سکولاریستی دولت حق سرمایه‌گذاری در سازمان‌های مذهبی از جمله سازمان‌های اسلامی را ندارد.

ما نظر شما درباره هویت فرانسوی چیست؟ جمهوری‌خواهان از هویت لائیک حمایت می‌کنند. باین‌حال، طیف قابل‌توجهی از راست‌ها از یک هویت «مسیحی» در فرانسه سخن می‌گویند. آیا فکر نمی‌کنید که تأکید بر هویت مسیحی خود عاملی برای افزایش واگرایی میان جمعیت مسلمانان با جامعه اصلی فرانسه است؟

من با تأکید روی هویت مسیحی موافق نیستم اما واقعیت این است که فرانسه دارای یک فرهنگ یهودی–مسیحی است و این‌ک یک واقعیت غیرقابل‌انکار تاریخی است. فرانسه بزرگ‌ترین دختر کلیسا برای قرن‌های متمادی بوده است.

ادامه در صفحه۱۹

یادداشت

از خودمدیریت تا خودمختاری

افشین غلامی؛ بحران در ترکیه به اوج خود رسیده است و این کشور در آستان حوادث بغرنجی فرو رفته است. جنگ ارتش ترکیه در شهرهای جنوب‌شرقی این کشور علیه حزب «دموکراتیک خلق‌ها» و نیروهای هوادار حزب «کارگران کردستان» (پ‌ک‌ک) و شهروندان ناراضی، نتیجه شکست مذاکرات صلح و دورشدن طرفین از علانیت بود.

بازیگران در این مناقشه هم‌دیگر را به کارشکنی در روند مذاکرات متهم می‌کنند و توطئه در انتخابات اخیر را دست‌مایه تأآرامی‌های امروز می‌دانند. از سویی حزب «عدالت و توسعه» با شگردهای مخصوصی توانست در دور دوم انتخابات همه رقا را به شکست وادار کند و از طرفی حزب دموکراتیک خلق‌ها با پشتیبانی کردها برای نخستین‌بار وارد مجلس شد.

اما تقابل ایدئولوژیک این دو حزب که یکی پس‌زمینه اسلامی و دیگری پس‌زمینه چپ‌گرایانه دارد، به نوع نگاه دو اردوگاه «اخوانیسم»

و «وچالانیسیم» برمی‌گردد. در بینش اول، توجه به به‌نیامه‌های اسلام سیاسی و حکومت اسلامی و چاشنی نتیجه ناتوانی جریانات مختلف لیبیایی از مذاکره و دستیابی به تفاهم به منظور بازگشت به یک دموکراسی حقیقی است.
نظر شما درباره حمله فرانسه علیه مالی در دوران ریاست‌جمهوری پرزیدنتا اولاند چیست؟

کلمات حاوی بار معنایی هستند. فرانسه هرگز به لیبی حمله نکرد. برخلاف آن، ما شاهد آن بودیم که دولت مالی از فرانسه درخواست کمک کرد و ما از مردم محلی حمایت به‌عمل آوردیم تا علیه گروه‌های تروریستی خارجی بچنگند، گروه‌هایی که تهدیدی علیه مالی بودند. این مأموریت با موفقیت از سوی ارتش فرانسه انجام شد و در تلاشی خستگی ناپذیر پیکاری برای نابودی شبکه‌های تروریستی باقی‌مانده در شمال مالی با همکاری نیروی سازمان ملل متحد در مالی (مینوسما) ادامه دارد. ارتباط‌دادن اقدامات داعش به مداخله نظامی در مالی و سایر حملات در پاریس همان پروپاگاندای تبلیغاتی است که رقیب داعشی‌ها یعنی القاعده نیز مطرح می‌کرد. بار دیگر می‌گویم یک گروه ترویستی در راستای استفاده از هر امری برای توجیه اقدامات خود برمی‌آید. تروریست‌ها از این موضوع برای پنهان‌کردن جنایات خود بهره می‌برند.

نظرتان درباره کمک‌های مالی و نظامی دولت فرانسه به ایوزیسیون سوریه چیست؟
به‌نظم اقدامات نظامی فرانسه در سوریه ضروری اما ناکافی بوده‌اند. ما باید از طریق حملات نظامی هوایی، فشار بر داعش را افزایش دهیم تا مسیر برای شکست‌دادن آن گروه از طریق مسیر زمینی و با حمایت از نیروهای محلی فراهم شود. کمک‌رسانی به نیروهای میانه‌رو مخالف دولت اسد رویکرد مناسبی بوده است اما کافی نیست. باین‌حال، برای شکست‌دادن واقعی داعش و به‌پایان‌رسیدن جنگ داخلی در سوریه نیاز است رویکرد نظامی همراه با یک راه‌حل سیاسی باشد که در آن بازیگران بین‌المللی، منطقه‌ای و بومی حضور سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد.

آخر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌گیری نیروهای بومی در مناصب استانی و محلی و سراسری بود روی آورد. اما اظهارات اخیر «صلاح‌الدین دمیرتاش»، رهبر مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها و اعلام حرکت از خودمدیریتی دموکراتیک به‌سوی خودمختاری، نزاع را مناسب ندانست و به‌جای آن به خودمدیریت دموکراتیک که نوعی از تصدی مشترک با بهره‌